

مفهوم خالی و جایگاه معنایی آن در معماری اسلامی (نمونه مطالعاتی خانه‌های تاریخی یزد)*



زهرا احمدی*

استادیار گروه معماری، دانشکده فنی حرفه‌ای سما تهران (کن)، دانشگاه آزاداسلامی، تهران ایران

فرح حبیب**

استاد گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۱۶

چکیده:

انسان معاصر درک صحیحی از مفهوم خالی نداشته و به همین دلیل در حوزه‌های مختلف از جمله معماری و شهرسازی دچار مشکلات زیادی شده است؛ گویی طراحان دنیای معاصر در توهّم طراحی فضای خالی به سر می‌برند. در پی ادراک محدود انسان از مفهوم خالی، امروزه فضای خالی واجد اصالت و ارزش نیست و فضای تهی و پوچ جایگزین آن شده است. تحقیق پیش رو، با نگاهی تازه سعی در تمرکز روی خالی‌ها در مقابل پرها دارد و باهدف استمرار ارزش‌های معماری بومی، درصدد درک مفهوم خالی و چیستی آن در این معماری است و به جستجوی مصادیق این مفهوم در معماری بومی ایران می‌پردازد. لذا مشخصاً به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که فضای خالی در معماری بومی ایران و به‌طور خاص خانه‌های تاریخی یزد چه نقشی در بعد معنایی دارد؟ به دنبال اثبات این فرضیه است که خالی‌ها به‌واسطه دیالکتیک ازواج متضاد، در خانه‌های تاریخی یزد، نقش محوری و اصلی دارند.

در مسیر تحقیق پس از کنکاش پیرامون چیستی مفهوم خالی، بر اساس یافته‌های حاصل از مبانی نظری سه رکن ۱. ازواج تضاد (همبود دو عنصر متضاد)، ۲. تعامل ازواج متضاد، ۳. یگانگی و وحدت ازواج متضاد، به‌عنوان ارکان اصلی تجلی مفهوم خالی تدوین می‌شود و سپس کیفیت تحقق این ارکان در معماری بومی یزد در بعد معنایی بررسی می‌گردد. از این رو، ترکیب فرآیند سه رکن تدوین شده مذکور در پنج‌خانه تاریخی شهر یزد، مورد آزمون و تحلیل قرار می‌گیرد. رویکرد تحقیق کیفی است و پس از تبیین ارکان مفهوم خالی و تدوین چارچوب نظری، خالی را در نمونه‌ها جستجو می‌کند و نقش آن‌ها را می‌کاود. در مسیر تحقیق به‌منظور جستار مفهوم خالی، معماری خانه‌های بومی با روشی تجربی و فنونولوژیک (پدیدارشناسانه) مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابزار گردآوری داده‌ها، مشاهدات عینی و مطالعه منابع مکتوب می‌باشد. نتایج مطالعات حاکی از آن است که مفهوم خالی به‌عنوان مفهومی تعالی‌بخش ماحصل سیر معنایی وجود ازواج متضاد، تعامل آن‌ها و تکوین وحدت فضایی این ازواج است. معماران بومی با ادراک ضرورت هم‌نشینی زوج‌های متضاد و دیالکتیک آن‌ها به‌عنوان رکن الزامی تجلی مفهوم خالی، کیفیات متضادی از قبیل تاریکی و روشنایی، بیرون و درون، مذکر و مؤنث را مورد توجه قرار داده است. در پی همزیستی کیفیت‌های متضاد و دوقطبی مذکور و تعامل صحیح آن‌ها با یکدیگر، جمع آن‌ها به یگانگی و وحدت رسیده است و به‌تبع آن مفهوم خالی به‌عنوان مفهومی تعالی‌بخش و تأثیرگذار متبلور شده است به‌نحوی که در معماری بومی اصالت و محوریت با خالی‌هاست.

واژه‌های کلیدی: خالی، پر، معماری بومی، خانه، تضاد.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نگارنده اول با عنوان «نقش جوهری فضای خالی در معماری بومی ایران (نمونه موردی: خانه‌های تاریخی یزد) می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران به راهنمایی دکتر فرح حبیب و مشاوره دکتر محمد نقی‌زاده ارائه گردیده است.

* ahmadi.arch@gmail.com

** f.habib@srbiau.ac.ir

۱. مقدمه

روحانی انسان، در مواجهه با معماری و چهره نازیبای خانه‌ها و شهرها را در پی داشته است. روی دیگر سکه معماری خانه‌های بومی است که به‌عنوان نمونه‌ای موفق در تجلی مفهوم خالی، قابل مطالعه و در دسترس است و عدم استفاده از این تجربه و حذف این زمینه تاریخی امتیاز بزرگی را از معماری معاصر خواهد گرفت. در این معماری «نگاه مثبت‌اندیش به فضای خالی باعث می‌گردد که فضای خالی از حالت فضای باقیمانده و منفی فراتر رفته و متناسب باحال هر هنر، ارزشی فراتر از یک فضای تهی داشته باشد» (صنعتی ۱۳۹۳). در این راستا، تحقیق پیش رو با مطالعه مفهوم فضای خالی سعی دارد این مهم را در معماری بومی ایران کنکاش کند و بر آن است نقش فضای خالی را در غنای معماری بومی جستجو کند. لذا مشخصاً به سؤالات ذیل پاسخ خواهد داد: مفهوم فضای خالی چیست و ارکان وجودی آن کدامند؟ فضای خالی در معماری بومی ایران و به‌طور خاص خانه‌های تاریخی یزد چه نقشی در بعد معنایی دارد؟ و مصادیق بارز و ملموس جلوه‌گری آن در معماری خانه‌های بومی یزد چیست؟

۲-۱. ادبیات تحقیق

تحقیقات متعددی در این زمینه بر مبنای مکتب‌دین و تفکرات بودایی انجام گرفته است. این تحقیقات غالباً متکی بر اندیشه‌های فیلسوفان تأثیرگذاری نظیر فیلسوف چینی لائوتزو و بانفوذترین و مهم‌ترین فیلسوف قرن بیستم ژاپن، نیشیدا کیتارو می‌باشد. دسته‌ای دیگر از تحقیقات خالی را در فلسفه و هنر اسلامی بررسی می‌کنند. این تحقیقات غالباً متکی بر تفکرات تیتوس بورکهارت متفکر آلمانی و پژوهشگر درزمینه‌ی هنرهای اسلامی است (بورکهارت^۲ ۱۹۷۰). نصر نیز به اهمیت فضای خالی در هنر اسلامی اشاره می‌کند و آن را عامل حضور در محضر الهی معرفی می‌کند (نصر ۱۳۸۹). نقی‌زاده زیبایی فضای خالی را به‌عنوان نماد حضور الهی در کعبه می‌داند و تهی بودن فضاها در فضاهای معماری و شهرهای مسلمین را الهامی از کعبه و نشانه تنزیه الهی از تجسم و تجسد مادی می‌داند (نقی‌زاده ۱۳۸۳). از تحقیقات حوزه معماری می‌توان به «کاوش در خالی» توسط آدام فوسنات اشاره

امروزه هویت خاص فضای خالی در معماری، متضمن رویکردی فعالانه و مثبت نمی‌باشد و فضای خالی غالباً ماهیت منفی دارد. مدار تحقیق حاضر بر روی خالی‌ها متمرکز است و بر این مهم تأکید دارد که خالی معادل عدم و نیستی نیست. خالی نه‌فقط به‌عنوان کاهش ماده و مصالح، بلکه به‌عنوان یک مفهوم متعالی و ارزشمند است که سیطره آن از شکل تا معنا را درنور دیده است. پارادایمی است که از جزء تا کل، از اتم تا جهان را در برمی‌گیرد. هم در شکل و هم محتوی، هم در کیفیت و هم در کمیت بروز پیدا می‌کند. این مفهوم چه زمانی که به مدد ماده، رنگ، فرم و جنس، در شکل و چه زمانی که با مدد از ادراک و عرفان در معنا بروز پیدا می‌کند با به تعادل رساندن پر و خالی دنیا را به سامان می‌رساند. این مفهوم وقتی چتر خود را بر سر هر چیز باز می‌کند ابزاری و امکانی در جهت اعتلا است. در این دیدگاه تاریکی به معنای نبودن نور است؛ خلوت به معنای نبودن ازدحام، سکوت به معنای خالی از بیان، درون به معنای خالی از بیرون و سادگی، خالی شدن از پیچیدگی است.

۱-۱. تعریف مسئله و اهداف تحقیق

هرچند فضای پر و خالی در کنار هم معنا دار می‌شوند و خاصیت وجودی یکی وابسته به دیگری است؛ ولیکن به دلیل درک محدود از مفهوم خالی، معماری و شهرسازی امروز با چالش هویتی مواجه شده است. گویی معماری معاصر در توهم طراحی فضای خالی به سر می‌برد بیکن معتقد است: «جوهره طراحی رابطه متقابل پر و خالی است ولیکن امروزه برتری به پرها داده شده است و پرها مقدم بر فضای خالی محسوب می‌شوند تا جایی که طراحان نسبت به فهم فضای خالی ناتوان شده‌اند و کور فضا شده‌اند.» (بیکن^۱ ۱۹۷۵). از همین رو، در معماری امروز تاریکی به‌اندازه روشنایی، حضور به‌اندازه عبور، سکوت به‌اندازه بیان و خالی به‌اندازه پراهمیت ندارد.

پیامدهای کم‌اهمیت شدن مفهوم خالی، مشکلات بسیاری از قبیل عدم وجود تعادل و یکپارچگی در معماری، برآورده نشدن نیازهای روحی و روانی انسان، فقدان انبساط





۲. اندیشه و مبانی نظری

این عنوان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های فلاسفه و بزرگان علم را در دو شاخه خاور دور و جهان اسلام مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۲. هویت وجودی: دیالکتیک تضادها

هر مفهوم در ظرف پدیده متضاد خود قابلیت تجلی دارد؛ هویت وجودی با باور وجود یک چیز در خودش معین نمی‌شود؛ بلکه با رابطه دیالکتیکی با متضادش مشخص می‌شود (چین بایک^۴ ۲۰۰۸) هویت وجودی و نقطه مقابل آن بر اساس اصل تناظر معکوس و سطحی بالاتر هماهنگی که به واسطه وجودهای نامتقارن ایجاد می‌شود؛ درهم‌تنیده شده‌اند (دیپلورس^۵ ۱۹۸۷). با این تمثیل که نور را با مقدمه تاریکی و آب را با پیش‌زمینه تشنگی می‌شود؛ به تمامی حس کرد.

نماد پیوند دو امر متناقض بین و یانگ است. «بین و یانگ یک زوج نیروی همزیست و مکمل است که در دایره‌ای نمادین جای می‌گیرند. بین و یانگ در نگرش چینیان باستان، نمادی از نظام دوگانه جهان و شکل ساده‌شده‌ای از مفهوم یگانگی متضادها است که پیوند دو نیروی متضاد یانگ (روشنی، اصل مذکر، فعالیت و ضمیر خودآگاه) و بین (تاریکی، زنانگی، منفعل بودن، ناشناخته‌ها و ناخودآگاه) را در اصل هستی نمادینه می‌کند، این وحدت اضداد از تلفیق دو رنگ روشن و تیره در احاطه دایره‌ای که نماد کل وجود است؛ ترسیم می‌شود. همچنین این نکته که در هر یک از دو قطب این نماد، ذره‌ای از هر یک در درون دیگری وجود دارد، نشانه‌ای از نسبییت و قطعی نبودن امور جهان است. از این منظر، در همه پدیده‌ها و اشیای غیر ایستا در جهان هستی، دو اصل متضاد ولی مکمل وجود دارد» (قائمی و همکاران ۱۳۸۸).



تصویر ۱. نماد بین و یانگ

کرد که به تعریف فضای خالی و طراحی بر اساس مفاهیم آن می‌پردازد (آدام فوسناق^۳ ۲۰۰۷). صنعتی به بررسی حیاط به‌عنوان یکی از اطوار فضای خالی در حوزه معماری می‌پردازد و تحقق فضای خالی در معماری و برتری فضای حیاط بر سایر فضاهای خالی و فرآیند تکوین حیاط را مورد توجه قرار می‌دهد (صنعتی ۱۳۹۳). تحقیق پیش‌رو، در ادامه تحقیقات مذکور انجام گرفته و وجه تمایزش با آن‌ها ارتباط تنگاتنگ مفهوم خالی با دیالکتیک ازواج متضاد است که به‌عنوان رکن تجلی مفهوم خالی معرفی می‌گردد. لذا مشخصاً روی کیفیت‌های متضاد، به‌عنوان رکن اصلی مفهوم خالی متمرکز است.

۳-۱. روش تحقیق

رویکرد تحقیق حاضر کیفی است و با نگاهی توصیفی و تفسیری به بررسی موضوع می‌پردازد. تحقیق شامل دو بخش نظری و عملی است. روش‌های تحقیق شامل روش تحلیل محتوی متن در بخش نظری و روش پدیدارشناسی در بخش تجربی است. تحقیق ابتدا به تعریف خالی و مفهوم آن از دیدگاه‌های مختلف می‌پردازد. پس از تبیین ارکان مفهوم خالی و تدوین چارچوب نظری، خالی را در نمونه‌های معماری بومی جستجو می‌کند و نقش آن‌ها را می‌کاود. انتخاب نمونه‌ها به‌صورت هدفمند صورت گرفته است. شهر یزد و خانه‌های دارای ارزش به‌صورت هدف‌دار با تأکید بر رابطه متقابل میان محقق و مورد تحقیق انتخاب می‌شوند. این مرحله شامل مشاهده مستقیم تجارب معماری بومی ایران و جستجوی پر و خالی در آن‌هاست. در مسیر تحقیق به‌منظور جستار مفهوم خالی در معماری خانه‌های بومی با روشی تجربی و فنومنولوژیک (پدیدارشناسانه) موضوع را مورد بررسی قرار داده و در خانه‌ها به دنبال کیفیت‌ها و عوامل متضاد و دوالیسم به‌عنوان رکن آغازین موجودیت مفهوم خالی - بر اساس مبانی نظری - می‌گردد. اگرچه کاپن سه ویژگی شکلی، کارکرد و معنا را به‌عنوان اصلی‌ترین ویژگی‌های معماری معرفی کرده است (کاپن ۱۳۸۲)؛ ولیکن این مقاله به‌طور خاص به بعد معنایی که در مراتبی بالاتر از شکل و کارکرد قرار دارد؛ می‌پردازد.





۱-۳-۲. مفهوم خالی در اندیشه‌های خاور دور
 «مفهوم خالی در فلسفه داتویی جایگاهی محوری دارد و تهی بودگی بنیان هستی‌شناسی داتویی است (پاشایی ۱۳۷۷، ۱۵۰). داتو می‌گوید: «تهی شو تا پر شوی. او سودمندی اتاق، یا ظرف را در تهی بودن آن می‌داند. این تهی بودن محور چرخ است که باعث چرخیدن چرخ می‌شود» (داتویی ۶ و یانجینگ ۲۰۱۱، ۴۶). «به همین سیاق آیین داتو برای تهی در مقابل پر، عدم در مقابل وجود، نرمی در مقابل سختی، ناتوانی در مقابل توانایی و بی‌ادعایی و بی‌قصدی و انفعال، ارزش فوق‌العاده قائل است» (بی‌پروا ۱۸۱). خالی در آیین ذن به معنای تهی شدن از خود است که نوعی فرا آگاهی به انسان می‌دهد. «تجربه ذن سفری است که از کثرت به وحدت و از وحدت به کثرت، رفتن به عرصه فرا آگاهی و بازگشتن به زندگی عادی با بینشی که پس از تجربه فرا آگاهی دگرگون شده و زندگی را آن‌چنان که هست درمی‌یابد. فرا آگاهی حالتی است از سکون، سکوت و طمأنینه» (اعتضادی ۱۳۷۹). «نیشیدا کیتارو، از غوطه‌وری ادراکی، شهود یا فراشناختی نام می‌برد، غور کردن و شهود زمانی اتفاق می‌افتد که ظرفیت ادراکی انسان بالا می‌رود. او بالاترین سطح خالی شدن را زمانی می‌داند که خویشتن وجودی انسان خالی می‌شود به درکی فراشناختی می‌رسد. مثل ظرف خالی آماده می‌گردد»

برای پیوستن با هستی و پذیرش و دریافت آنچه جهان پیش رویش قرار می‌دهد. «نیشیدا^۱ (۱۹۷۴) همان که در آیین ذن فرا آگاهی یا تهی شدن نامیده می‌شود.

۲-۳-۲. مفهوم خالی در اندیشه اسلامی
 مفهوم فضای خالی پیوندی با تفکر عدم و نیستی دارد که در عرفان ایرانی و اسلامی ریشه‌ای عمیق دارد. در این دیدگاه مفهوم خالی تنها منحصر به مرتبه عینیات و ظواهر نیست؛ بلکه مرتبه معانی و کیفیات را نیز در برمی‌گیرد. «فضای خالی در هنر اسلامی از ثمرات اصل دینی توحید است که در لا اله الا الله متجلی است. هیچ خدایی جز الله موجود نیست. همه جهان پژواک و اثری از خداوند است. همه جهان و هر چه غیر از خداست؛ گذرا و غیراصیل است. در این دیدگاه تهی بودن در هنر مترادف تجلی امر قدسی می‌شود و خلأ سمبل یا نشانه‌ای است که استعلاء و حضور خداوند در اشیا را باهم نشان می‌دهد» (نصر ۱۳۸۹). «خلأ یعنی آنچه از اشیا تهی است؛ به‌صورت اثر و پژواک حضور خداوند در نظام

هم‌نشینی تضادها، دوالیسم و از دیرباز مورد توجه فیلسوفان بوده است. به اعتقاد هراکلیتوس «تضاد دائمی قانون هستی است. هویت وجودی، بودن و نبودن در گرو وجود تضاد است. با تعامل و محدود شدن دو امر متضاد توسط یکدیگر، تعادل برقرار می‌شود و این امر متضمن بقای آن‌هاست» (عصمتی ۱۳۸۰). «بهر کهارت زمین و آسمان‌ها را تشکیل شده از عناصر چهارگانه می‌داند و این عناصر (ارکان) نیز از صفات طبیعی گرما، خشکی، رطوبت و سرما تشکیل شده‌اند و تک‌تکشان را به‌صورت دوتایی در خود دارند. این صفات طبیعی در همه جای زمین وجود دارند» (اردلان ۱۳۹۰، ۹۱). در قرآن کریم نیز بارها به این مهم اشاره شده است: از هر چیز دو جفت آفریدیم؛ شاید متذکر شوید (ذاریات آیه ۴۹) و «اشاره به این حقیقت دارد که تمام اشیای جهان از ذرات مثبت و منفی ساخته شده‌اند» (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۵۳، ۳۷۶). دیالکتیک تضادها در تمام اشیای جهان، انسان را متذکر این معنی می‌کند که خالق جهان، واحد و یگانه است؛ زیرا دوگانگی از ویژگی‌های مخلوقات است.

۲-۲. مفهوم خالی: تقابل بودن و نبودن

واژه خالی به معنای تهی، مقابل پر، آزاد، رها، تنها، منفرد، مجرد آمده است» (معین ۱۳۸۲، ۱۳۹۲). خالی به معنای پوچ و بی‌ارزش نیست و محدود کردن مفهوم خالی منحصر به ماده و عینیات، جفا کردن در حق این مفهوم بزرگ و فراگیر است. «به‌عزم نیشیدا کیتارو فیلسوف ژاپنی قرن بیستم؛ فلسفه خالی را باید در دیالکتیک متضادها دنبال کرد. خالی آن چیزی نیست که نیستی نامیده شده بلکه چیزی است که یک سری روابط و تقابل‌ها را ممکن می‌سازد. این تقارن وارونه، تقابل منطقی بودن و نبودن است و دو امر متناقض را بی‌آنکه یکی بر دیگری فرو بکاهد به هم پیوند می‌زند. خالی بودن غالباً به‌عنوان عدم وجود فهمیده می‌شود. اما برعکس خالی نه هیچ است و نه توخالی و خاموش؛ بلکه پایه و اصل غایی هستی است که بودن و نبودن است. خالی، اصل آخر و غایی هستی است که در ورای معنای بودن و نبودن است. در خالی بودن منفی مضاعف (دوگانه) وجود دارد. نفی بودن که به‌سوی نبودن راه می‌برد و نفی نبودن» (جین بایک ۲۰۰۸). در این دیدگاه کلام زاده سکوت است و حرکت زاده سکون و فضای خالی نگاهی است به فاصله میان حرکت و سکون پر و خالی، دم و بازدم، فردیت و جمعیت.

۲-۳. مفهوم خالی در اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها



وسعت یابی وجود انسان موجب ایجاد ظرفیت خالی در وجود او و پذیرش بیشتر آنچه جهان هستی پیش روی او قرار می دهد؛ می شود که در آموزه های اسلامی با عنوان شرح صدر یا انشراح از آن نام برده شده است. مرتبه ای که شخصیت وجودی انسان وسعت می یابد به گونه ای که هستی را در بر می گیرد و به جای این که محاط در عالم و جهان باشد؛ محیط بر عالم و جهان می شود و از فضای بیرون از زمان و مکان هستی به هستی می نگرند.

از منظر مولانا آن کس که از خود خالی می شود و به مقام خاموشی می رسد خالی نمی ماند؛ از خداوند پر می شود. در این نگرش خالی شدن و تهی شدن از هستی ارزشی است که زمینه ساز عشق معبود است. «خالی شدن و تهی شدن از هستی مولوی را از خودش بیخود کرده و او را تبدیل به نی نموده و نی ای که می توان زمزمه معشوق و صدای سخن عشق را از آن شنید.

از وجود خود چونی گشتم تهی

نیست از غیر خدایم آگهی (مثنوی: ۳۴۷۰۱)»
(کاکایی ۱۳۸۶)

هستی جلوه می کند» (نصر ۱۳۸۹، ۱۹۷-۲۰۳). بور که هارت معتقد است: «فضای خالی در هنر اسلامی، با وجودی گمنام و غیر فاعلی انسان را قادر می سازد که تماماً خودش باشد و در پاسخ به هستی شناختی درونی اش هم بنده خدا و هم نماینده و جانشین خدا در روی زمین باشد» (بور که هارت ۱۹۷۰). در هنر اسلامی تجلی مفهوم خالی، زمینه ساز و عامل حضور در محضر الهی است. فضای خالی عامل شفاف کردن ماده است که با غیاب جسمانیت و حذف مادیت انسان را به روحانیت، درونگرایی و تفکر رهنمون می شود و او را در محضر پروردگار قرار می دهد.

«فضای خالی اثر محدودکننده فضای کیهانی بر انسان را حذف می کند؛ چون هر وقت و هر جا حجاب جسم برداشته می شود؛ نور الهی به درون می تابد. نوعی بسط (انشراح) ایجاد می شود که اثر قبض کیهانی بر جان انسان را زائل می کند و انسان را در برابر پروردگار قرار می دهد و او را از حضور فراگیر پروردگار آگاه می سازد (همان).

جدول ۱. دیدگاهها پیرامون مفهوم خالی

اندیشمندان/آیین	نظریات و دیدگاهها	مفهوم خالی در شرق و غرب
ناگارجونه / بودیسم	بر فرضیه خلاء جهانی و تهیگی عناصر تأکید می ورزد.	مفهوم خالی در شرق و غرب
لائوتسه / داتونیسیم	در آیین داتو، خالی، قضیلت خاصی دارد.	
نیشیدا کیتارو (مکتب کیوتو)	فلسفه خالی را باید در دیالکتیک متضادها دنبال کرد.	
آیین ذن	خالی شدن در ذهن و روح: بالا رفتن ظرفیت ادراکی انشراح دریافت بیشتر آنچه کائنات پیش رو قرار می دهد.	مفهوم خالی در جهان اسلام
هراکلیتوس	خالی در آیین ذن به معنای تهی شدن از خود است که نوعی فرا آگاهی به انسان می دهد. خالی نماد وحدت بین اضداد است.	
حسین نصر	هویت وجودی، بودن و نبودن درگرو وجود تضاد است. با تعامل و محدود شدن دو امر متضاد توسط یکدیگر، تعادل برقرار می شود.	
بور که هارت	مفهوم خالی از نتایج اصل توحید است. فضای خالی انسان را در محضر پروردگار قرار می دهد. اثر محدودکننده فضای کیهانی را از بین می برد. برداشتن حجاب از جسم = بسط و شادی روحانی: انشراح	مفهوم خالی در جهان اسلام
اردلان	هنر اسلامی نوعی فضای خالی ایجاد می کند که همه پریشانی ها را از میان برمی دارد و تعادل، آرامش و صلح را جایگزین آن می کند.	
مولانا	همنشینی و دیالکتیک اضداد در تمام ذرات عالم / وحدت اضداد در کثرت	
	خالی شدن و تهی شدن از هستی زمینه ساز عشق معبود است آن کس که از خود خالی، خالی نمی ماند؛ از خداوند پر می شود.	

ازواج متضاد — تعامل ازواج متضاد — به وحدت رسیدن ازواج متضاد

دیالکتیک و همنشینی اضداد

مفهوم خالی



برای آن به کار می‌رود. دگرگونی صفتی است که شیء را از قرار به بی‌قراری می‌کشاند» (عبدالکریم ۱۳۸۷). مفهوم حرکت منحصر به حرکت فیزیکی نیست و حرکت معنایی را نیز در برمی‌گیرد. حرکت معنایی حرکتی ذهنی است «تجولی که در آن اتفاق می‌افتد به جای مختصات جغرافیایی، به مختصات ذهنی مخاطب برمی‌گردد. این حرکت در واقع نشأت گرفته از احساس مخاطب به هنگام درک فضا است» (مهدوی‌نژاد ۱۳۹۰).

۳. شرط سوم ناظر به نسبت تکاملی دو جزء متضاد و به وحدت رسیدن آن‌ها است. «در جمع، اضداد حاصل به یکی از آن‌ها تقلیل پیدا نمی‌کند بلکه ترکیبی است از این صفات متضاد، مثل بین و یانگ که نمادشان نشان می‌دهد چطور هر کدام مکمل دیگری را در خود دارد (اردلان و بختیار ۱۳۹۰، ۹۳). وحدت اضداد «یکی از آموزه‌های حاکم در جهان‌بینی کهن ایرانی که بعدها در عرفان ایرانی - اسلامی به‌عنوان پایه‌های اصلی در جهان‌بینی متجلی شده است. وحدت اضداد در کثرت عالم پدیدار است. در جهان‌بینی عرفانی، کل جهان از هستی و رویدادهای متضاد تشکیل یافته و هر پدیدار یا فرآیندی در بطن خود دو اصل متضاد را نهفته دارد و این تضاد در روند پدیدارها پیوسته جاری و ساری است. عرفا این تعامل تضادآمیز را اصل هستی عالم امکان می‌دانند» (دهباشی ۱۳۸۶).

سه رکن اصلی مفهوم خالی عبارت‌اند از: ۱. تضاد (همبود دو عنصر متضاد)، ۲. تعامل و حرکت دوسویه بین زوج متضاد، ۳. تفاهم، تعادل و به وحدت رسیدن زوج متضاد (تصویر ۳) دو عنصر متضاد و متقابل، در پی مجاورت و همزیستی و تعامل با یکدیگر به تفاهم و وحدت و یگانگی و تعادل می‌رسند.

۴-۲. ارکان وجودی مفهوم خالی

چنانچه از آرای حکما و اندیشمندان برمی‌آید مفهوم خالی منحصر به عینیات، شکل، صورت و ماده نیست و می‌تواند دو نوع خالی را متصور شد؛ خالی در عین و خالی در ذهن. لذا فضای خالی می‌تواند مفهومی کاملاً ذهنی باشد. تجلی این مفهوم در معماری نیز دارای مراتبی است. گاه در مرتبه مفاهیم و معانی و گاه در تعامل اجزاء، عناصر و کیفیات معماری و گاه در کارکرد، شکل و صورت می‌توان این مفهوم را جستجو نمود. از سویی، مفهوم خالی از صدر تا ذیل مراتب معماری امکان تجلی دارد. بر اساس مبانی نظری سه شرط و رکن اصلی را می‌توان برای تجلی مفهوم خالی تدوین نمود:

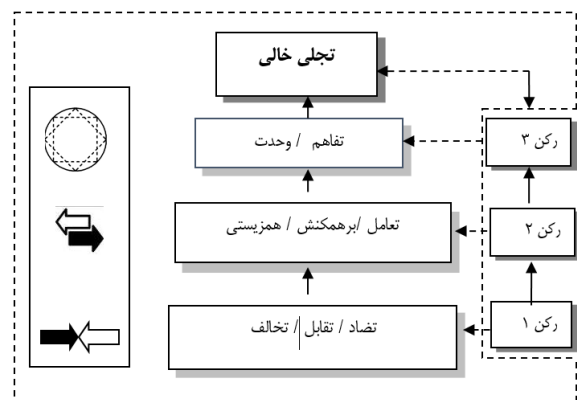
۱. اولین شرط در صدق مفهوم خالی ناظر به حضور، هم‌نشینی و همبود دو زوج متقابل یا متضاد است «زوجین باید قابلیت اجتماع و هم‌نشینی داشته باشند؛ یعنی حضور یکی از ازوج مستلزم نفی دیگری نباشد؛ بلکه حضورش وابسته به حضور دیگری باشد» (صادق احمدی ۱۳۹۳).

۲. وجود اضداد اگرچه برای تجلی مفهوم خالی شرط لازم است ولیکن کافی نیست لذا شرط دوم؛ وجود تعامل، انتقال، حرکت دوسویه و بده‌بستان میان دو جزء متضاد است. رفتن از یک حالت به حالت متضادش. انتقال و گذر از یکی به دیگری و بازگشت دوباره. دو پدیده متضاد در فضایی انضمامی در کنار هم ساکت نمی‌نشینند و دائم به یکدیگر تبدیل می‌شوند. اثر متقابل و برهمکنشی دارند. از این به آن می‌روند. یک تحول دائمی و حرکت رفت‌و برگشت از این به آن که در نهایت به اتحاد و یگانگی، سلم و تعادل و آرامش می‌انجامد.

هنگامی که چیزی در حال تغییر و دگرگونی است؛ صفت حرکت

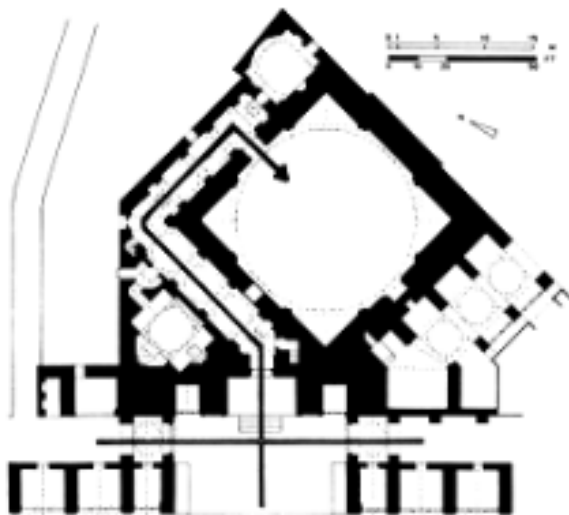


تصویر ۲. سه رکن وجودی مفهوم خالی



تصویر ۳. چگونگی رابطه سه رکن وجودی مفهوم خالی

کیفیت‌ها و عوامل متضاد (رکن اول تجلی مفهوم خالی) به‌عنوان گزیده‌ای از نوسان کیفیت‌های متخالف اشاره می‌گردد.



تصویر ۴. نقش جهان و مسجد شیخ لطفاله

۱-۳-۱. وحدت و کثرت

در خانه‌های مورد مطالعه، هم در مقیاس شهری و هم در مقیاس تک‌خانه، تقابل وحدت و کثرت وجود دارد؛ این دو مفهوم متضاد ضمن تعامل و همزیستی با یکدیگر به یگانگی رسیده و سه رکن تجلی مفهوم خالی را تضمین می‌کنند. «در چهره شهری، خانه‌ها بر هویت جداگانه خود تأکید ندارند و خود را پیوسته و یکی شده با بقیه خانه‌ها

۳. بحث و یافته‌ها

۱-۳. تجلی مفهوم خالی در خانه‌های بومی در

مرتب‌به معنایی به‌واسطه ازواج متضاد

جهت آزمون ارکان تدوین‌شده در نمونه‌های موردی بر اساس چارچوب نظری، تضاد به‌عنوان رکن آغازین تجلی مفهوم خالی و شاه‌کلید طرح موضوع جستجو می‌گردد. کیفیت‌های متضاد به‌عنوان رکن اول طی هم‌نشینی و همزیستی باهم به رکن سوم یعنی وحدت می‌رسند و بستر تجلی مفهوم خالی را فراهم می‌کنند. در بررسی معنایی آن نوع خالی مدنظر است که در مراتبی بالاتر از شکل و کارکرد پدیدار می‌گردد و نوعی گستردگی وجودی و ایجاد ظرفیت خالی در انسان را پدید می‌آورد که به‌واسطه درک وحدت اضداد در فضاها معماری ایجاد می‌شود و با حضور فیزیکی انسان و سیر در فضا به‌صورت فعالانه تحقق می‌یابد. درواقع انسان در مواجهه با کیفیت‌های متضاد، تعامل و تعادل و وحدت اضداد، گستردگی وجودی پیدا می‌کند و بسط و شادی روحانی (انشراح) می‌یابد.

نوسان میان کیفیت‌های متضاد زمینه تجلی مفهوم خالی را فراهم می‌کند و به‌واسطه آن‌ها ظرفیت وجودی انسان خالی می‌شود. به‌عنوان مثال وقتی انسان از میدان نقش جهان وارد مسجد شیخ لطفاله می‌شود در دالان این مسجد که خاصیت بینابینی دارد؛ آمادگی حضور در محضر الهی و ورود به مسجد را پیدا می‌کند. مسلماً ذهن او بایستی از قیل‌وقال میدان رها شود؛ انشراح پیدا کند و ظرفیت وجودی‌اش برای دریافت و پذیرش آنچه پیش‌رویش قرار می‌گیرد؛ خالی شود. او باید خالی شود تا بتواند پر شود. این خالی شدن به‌واسطه نوسان کیفیت‌های متضاد و وجود رابطه دیالکتیکی میان میدان نقش جهان و مسجد شیخ لطفاله و به تعادل رسیدن آن‌ها پدیدار می‌شود (تصویر ۴).

این رابطه دیالکتیکی که موجبات خالی شدن و گستردگی روحی انسان و افزایش ظرفیت ادراکی انسان را فراهم می‌کند در خانه‌های سنتی نیز اتفاق می‌افتد. در بررسی معنایی فضای خالی در نمونه‌های مورد مطالعه، به برخی





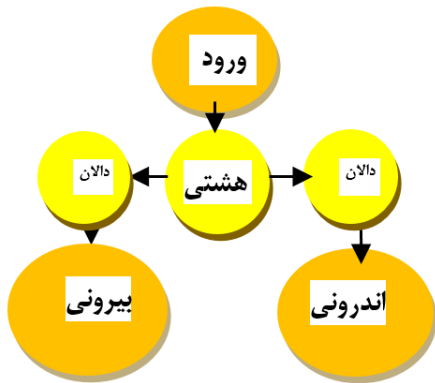
است که بین سه‌دری و پنج‌دری، انفصال کامل، معرفی قدرها و سپس ارتباطی کامل را زمینه می‌چیند (عزیزی ۱۳۹۶).

۲-۱-۳. درون و بیرون

مرز بیرون و درون در خانه‌های درونگرای یزد، هشتی خانه و دالان متصل به آن است. تضاد زیادی بین بیرون و درون وجود دارد. تضاد و دیالکتیک بیرون و درون، جهانی کوچک و اختصاصی در درون خانه برای ساکنین مهیا کرده است.

«بخش عمده‌ای از زیبایی، آرامش و احساس وحدت که در بافت قدیمی شهرها و بناهای مذهبی و فرهنگی قدیم دیده می‌شود؛ مدیون نظام دو فضای بیرونی و درونی در معماری سنتی است» (رضاخانی ۱۳۹۲، ۲۲۱). همان‌گونه که مفهوم پر و خالی، امری فازی معرفی شده و تجلی آن‌ها از جزء تا کل دانسته شده است؛ دیالکتیک بیرون و درون نیز در این خانه‌ها نسبی است و به کوچه به‌منزله بیرون و حیاط به‌منزله درون ختم نمی‌شود. وقتی از کوچه که بیرون محسوب می‌شود وارد خانه می‌شود؛ خانه دوباره به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم می‌شود؛ و این سلسله‌مراتب بیرون و درون تا اجزای ریزتر مانند اتاق ادامه دارد.

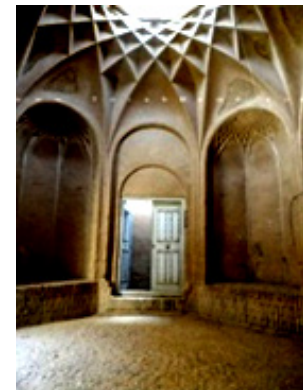
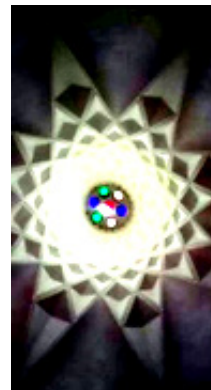
معرفی می‌کنند. درهم‌تنیدگی خانه با همسایگان و تأکید بر عدم تمایز و نمون مرزها علاوه بر مراقبت، به‌نوعی قدرت‌نمایی است» (عزیزی ۱۳۹۶). در بدو ورود به خانه‌ها، هشتی اجزای خود را حول مرکز سامان می‌دهد؛ مرکزی در سقف، متناظر با آن مرکزی در کف و عناصر هشت وجه متمایل و متمرکز بر آن. در این قسمت اجزا تنوع و تکثر بیشتری دارند و با وجود تفاوت‌هایشان توانسته‌اند در مرکز به وحدت برسند در نقوش هندسی به‌کاررفته در سقف مقعر هشتی و کف هشتی، کثرت و وحدت به اوج خود رسیده است. «نقوش هندسی که هرکدام به‌صورت منفرد (مدول) استقلال شکلی دارند؛ در ترکیب با یکدیگر مجموعه‌ای را به وجود آورده‌اند که دارای تأثیر بصری واحد است» (افشار نادری ۱۳۷۴). در آموزه‌های دین اسلام نیز «تقابل و تخالف اجزا را دلیلی بر وحدت عالم شمرده‌اند. تا تسخیر متقابل بین موجودات محقق نشود و هماهنگی بین آحاد و طبقات متفاوت ایجاد نگردد؛ نظام به احسن وجه اداره نمی‌شود. این تفاوت که برای تسخیر دوجانبه و متقابل صورت می‌گیرد؛ جهت سیر به‌سوی کمال و تقرب الی‌الله است» (جوادی آملی ۱۳۸۳، ۲۰۸).



تصویر ۶. سلسله‌مراتب دسترسی

۳-۱-۳. سادگی و پیچیدگی

سادگی در نمای بیرون خانه و پیچیدگی در داخل خانه به‌عنوان رکن اول تجلی مفهوم خالی دو کیفیت متضاد هستند که در یک معماری جمع شده‌اند و به وحدت و



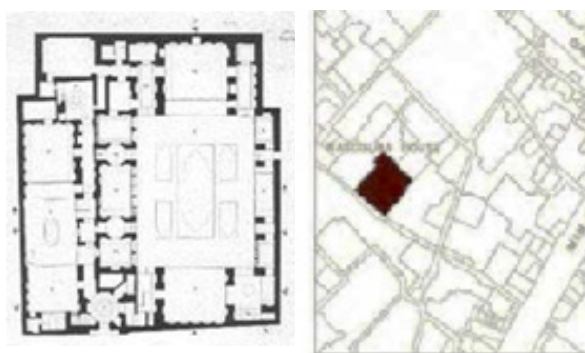
تصویر ۵. هشتی خانه اخوان سیگاری و سقف هشتی خانه رسولیان

در سازماندهی فضایی خانه‌ها، حیاط مرکزی تمام‌دانه‌ها را همچون نخ تسبیح جمع کرده است و بر وحدت فضایی تأکید دارد. «اینجا نیز وحدت از نوعی است که کثرت‌ها را پنهان نکرده؛ بلکه بر تمایز آن‌ها تأکید می‌کند. به‌این ترتیب که فضاها را به هم نمی‌چسباند و با ایجاد واسطه‌هایی بر استقلال آن‌ها تأکید می‌کند. نمونه قوی آن فضای واسطی

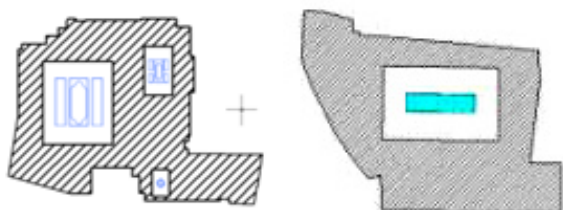


۴-۱-۳. نظم و بی‌نظمی

کوچه‌های پیچ‌درپیچ که هیچ نظم هندسی کلاسیکی در کلیت آن‌ها یافت نمی‌شود؛ در تقابل و دیالکتیک بانظم حاکم در طراحی خانه بومی قرار دارد. حیاط مرکزی با تقارن، نظم ایستا و ادراک بصری هدایت‌شده‌ای به وجود آورده است درحالی‌که بافت شهری اطراف هندسه فرکتالی، منطق رشد ارگانیک و متفاوت با هندسه اقلیدسی داخل بنا دارد. تضاد نظم غیرهندسی زمین با نظم هندسی حیاط و اجزا اطراف حیاط نیز از همین دست است (تصاویر ۸ و ۹).



تصویر ۸. بافت با هندسه ارگانیک در تضاد با هندسه پلان خانه



تصویر ۹. تضاد فرم نامنظم زمین و فرم هندسی حیاط

یکپارچگی (رکن سوم) رسیده‌اند. «در چهره شهری خانه‌ها، اطلاعات بصری چندانی برای تماشا وجود ندارد و دیوارهایی بلند و یکپارچه، خانه را همچون رازی از چشم مخاطب عام پنهان می‌دارد. این تضاد تا حدی است که وقتی در کوچه‌های خالی از تزئین حرکت می‌کنیم؛ تا زمانیکه از آستانه ورودی داخل خانه نشویم؛ هرگز نمی‌توانیم تزئینات و جزئیات و پیچیدگی‌های معماری درون بنا را تصور کنیم». با ورود به خانه، حیاط پرده از رخ برمی‌دارد و مجموعه موزونی از زیبایی‌های طبیعی اعم از آب‌و‌خاک و گیاه و نور و نسیم را در ظرف هندسه انسانی آشکار می‌کند. فضاها حیاط را در بر گرفته و با همه چشم خویش جمال آن را به تماشا نشسته‌اند» (عزیزی ۱۳۹۶). دیالکتیک میان نمای ساده بیرونی و نمای پرطمطراق داخلی جذابیت این خانه‌ها را دو صدچندان کرده است. علاوه بر این، سادگی و عربانی کوچه‌ها ذهن مخاطب را خالی و آماده می‌کند برای اینکه پذیرای آنچه باشد که خانه پیش روی او قرار می‌دهد (تصویر ۷).



۵-۱-۳. گونه‌گونی و یکنواختی

در خانه‌ها نوع مصالح یکنواخت و محدود است. همچنین الگوی حیاط مرکزی به‌عنوان عنصر سازمان‌دهنده فضا با سلول‌های پیرامون آن، الگویی یکسان و یکنواخت بوده است. با این وجود، معماری و طرح هیچ‌کدام از خانه‌ها تکرار نشده است؛ لذا گونه-گونی آثار خلق شده در تقابل با محدودیت و یکنواختی نوع آن‌ها دارد.

«تنوع و گونه‌گونی در معماری ایرانی قابل تشبیه به موسیقی ایرانی است؛ الگوهایی محدود چون چهارصفه،



تصویر ۷. کوچه محمودی (بالا) و خانه مرتاض (پایین) سادگی نمای کوچه در تضاد با پیچیدگی درون خانه است.





چهارایوانی، حیاط مرکزی و... وجود دارد که معمار ایرانی می‌توانسته آن‌ها را با آزادی و تنوع زیادی ترکیب کند. بر همین اساس مسکن در شهرهای حاشیه کویر تنوع و گونه‌گونی تیپولوژیکی دارد (افشار نادری ۱۳۷۴). است.

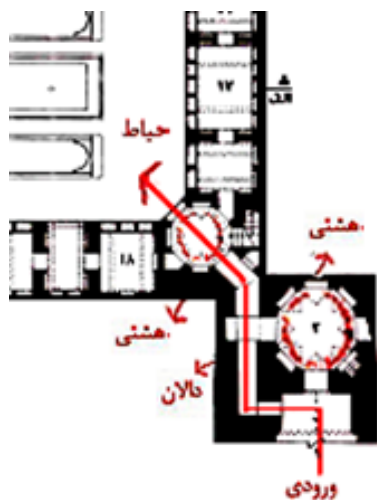
جدول ۲. سازمان‌دهی مرکزی در خانه‌های یزد

سازماندهی وحدت‌گرا در نمونه‌ها				
خانه عرب‌ها	خانه مرتاض	خانه سیگاری‌ها	خانه لاری‌ها	خانه رسولیان

به حیاط با سلسله‌مراتب دسترسی به‌واسطه هشتی، دالان و از کنج حیاط صورت می‌گیرد (تصویر ۱۰؛ جدول ۳). در هیچ‌یک از نمونه‌ها ورود به حیاط از آکس نبود و همین امر بیشتر حالت خصوصی حیاط را تشدید می‌کند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰. مراتب دسترسی



تصویر ۱۱. سلسله‌مراتب ورودی خانه مرتاض در یزد

۶-۱-۳. فضای عمومی و خصوصی

در همه نمونه‌ها عرصه عمومی در دیالکتیک با عرصه خصوصی قرار دارد؛ ولیکن این تضاد به معنای تفکیک و جدایی آن‌ها نبوده است؛ بلکه دیالکتیک و تعامل دائمی بین حریم خصوصی و عرصه عمومی وجود دارد که در نهایت به رکن سوم مفهوم خالی یعنی وحدت و تفاهم می‌رسند. دیالکتیک عرصه خصوصی و عمومی تا اجزای کوچک‌تر نیز تسری یافته است. در مقیاس خردتر و درون خانه حیاط فضای عمومی و اتاق فضای خصوصی تلقی می‌شود هیچ اتاقی دسترسی‌اش از حیاط به‌طور مستقیم نیست. اتاق‌های خصوصی با حفظ حریم و سلسله‌مراتب دسترسی به تماشای حیاط مرکزی عمومی می‌نشینند. هیچ فضایی به‌طور مستقیم از حیاط دسترسی و ورودی مستقیم ندارد؛ ولیکن به حیاط دید و پنجره دارد. کیفیت عمومی و خصوصی بودن فازی است و یک طیف را از کل تا جزء را در برمی‌گیرد؛ کوچه نسبت به حیاط عمومی است و حیاط نسبت به اتاق عمومی است. همان‌گونه که در اشکال فراکتال شکل جزء، شباهت محسوسی به شکل کل دارد؛ و جزء، در همه جهات به نسبت ثابتی رشد می‌کند و کل را به وجود می‌آورد. در تمام نمونه‌های مورد مطالعه ورود





جدول ۳. مراتب دسترسی از عرصه عمومی کوچه به حیاط خصوصی خانه‌های موردی مطالعه

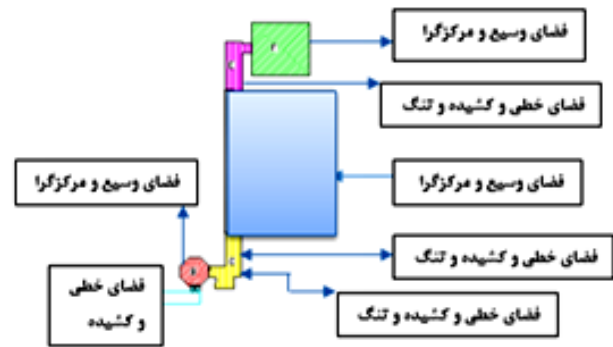
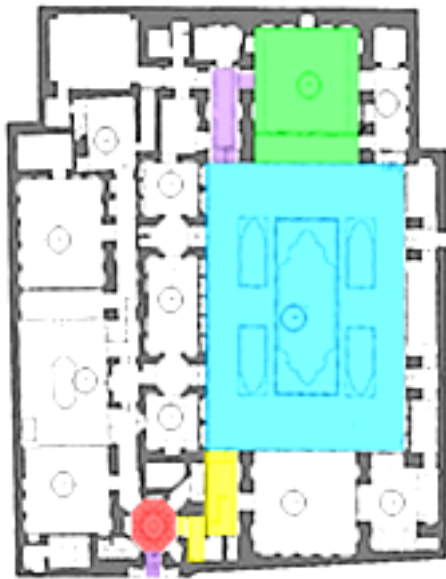
مراتب دسترسی از عرصه عمومی کوچه به حیاط خصوصی				
خانه عرب‌ها	خانه مرتاض	خانه سیگاری‌ها	خانه لاری‌ها	خانه رسولیان

۷-۱-۳. عبور و حضور

این عنوان بررسی می‌کند که خانه‌های مورد مطالعه چه مراتبی برای حرکت و سکون و معادل آن عبور و حضور انسان در نظر می‌گیرند. اگر فضاهای معماری به دو دسته آفاقی و انفسی تقسیم شوند؛ عبور در فضاهای آفاقی و حضور در فضاهای انفسی حاصل می‌شود. فضای آفاقی، موجب حرکات فیزیکی و مکانی هستند و در زمره حرکت عرضی و سیر در آفاق می‌باشند. «انواع هندسه‌های خطی و موجی، نامنظم، بدون محور و مرکز و قرینه‌سازی شکل‌های نامتعیین و امتدادهایی که از نقطه دید خارج می‌شوند؛ در آفاقی کردن فضا مؤثرند» (نقره کار ۱۳۸۷، ۳۹۶). عواملی چون سلسله‌مراتب دسترسی، ریتم، تأکید بر تقارن و محوربندی فضایی-کالبدی، جای‌گیری فضاها و عناصر اصلی روی محورهای اصلی و فضاهای فرعی و ارتباطی روی محورهای فرعی حرکت اجزا را به‌سوی عناصر اصلی در انسان القا می‌کند؛ ولیکن در فضای انفسی حرکات توسط اجزای معماری به مخاطب القا می‌شوند و مخاطب آن‌ها را ادراک می‌کند؛ لذا در زمره حرکات درونی و سیر در انفس هستند. چنین فضایی زمینه ایجاد خلوت و حضور درونی آدمی است که حالت خودیابی و خودآگاهی را برای انسان فراهم می‌کند. «نصر مسئله قطبیت فضا و هر نوع نظم تمرکزآفرین با محورسازی مجموع تناسباتی که به مربع و مکعب نزدیک شود؛ را از مهم‌ترین اصول و عوامل کیفی می‌داند که در انفسی کردن فضا نقش دارند» (نصر ۱۳۸۹، ۴۷). در همه نمونه‌های مورد مطالعه، پس از حرکت

در کوچه‌هایی کم‌عرض و باریک با ریتم و تنوع سابطاها و تویزه‌ها و عناصر سقفی که انگیزه‌بخش حرکت هستند ورودی دیده می‌شود؛ در ورودی هشتی شاکله‌ای ساکن دارد؛ با نقوشی مرکزگرا در سقف و کف بدون هیچ‌وجه شفافیتی جز روزنه‌ای به آسمان. «هندسه تک‌هسته‌ای با نقطه‌ای مرکزی و یک محور عمودی در همان نقطه و در راستای قامت انسان دارد که به نقطه خالی و مرکزی سقف (شمسه) پیوند می‌خورد؛ این ستون غیبی و نامحسوس که با حضور انسان معنا و مفهوم می‌یابد؛ در حقیقت معنا و مفهوم فضای انسانی را در معماری شکل می‌دهد و نقطه پیوند انسان با جهان ماورا، و بستر عروج ملکوتی او می‌شود. این خلأ مادی درگاه همیشه‌گشوده‌ای است که انسان را به صیوررت باطنی و عروج ملکوتی دعوت می‌نماید» (نقره کار ۱۳۸۷، ۶۰۹). در درون خانه‌ها نیز با تضاد فرم‌ها در مسیر ورودی تا هفت‌دری، به‌صورت متناوب انسان را از یک فضای حرکتی با فرم خطی و باریک وارد یک فضای ایستا و مرکزگرا و گسترده می‌شود (تصویر ۱۲). تناوب عبور و حضور درواقع با «فاصله‌گذاری مابین عناصر و یا اجزای ساختمانی - که درعین حال می‌تواند عامل وصل و اتصال باشد - واجد نوعی کرشمه است که هم وصل می‌کند و هم فصل. انفصال موجب ابراز هویت مستقل هر عنصر و یا فضا در شهر یا بنا می‌شود؛ درحالی‌که همان عامل با متصل کردن اجزا به یکدیگر، کلی درهم‌آمیخته و یکپارچه را پدید می‌آورد که به‌نوبه خود دارای هویت منحصربه‌فرد درهم‌تنیده‌ای است» (احمدی ۱۳۹۱).





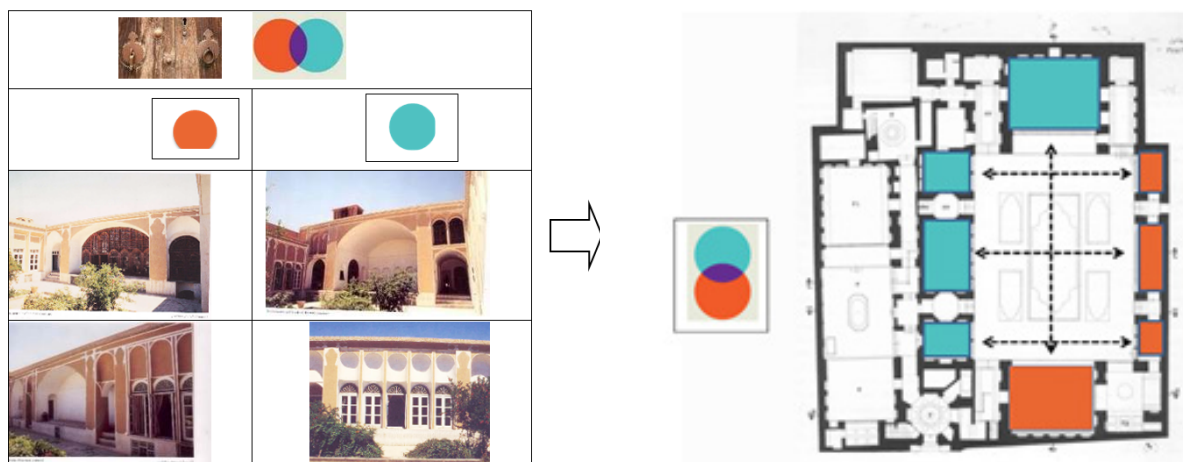
تصویر ۱۲. تناوب فضاهای ایستا و حرکتی در خانه رسولیان

در محیط شهر ایران را تجربه ویژه‌ای از تقابل‌هایی از کج و صاف، باقاعده و بی‌قاعده، پنهان و روشن و هندسه و ناهندسه می‌داند (صادق احمدی ۱۳۹۳ به نقل از میرفندرسکی ۱۳۷۶، ۱۲۳). در خانه‌های بومی یزد، هم‌نشینی دو متضاد مؤنث و مذکر در ارتقای کیفی مکان بسیار مؤثر بوده‌اند. «هر نقطه‌ای از فضای داخلی یا حیاط را که رصد کنی؛ جفتی می‌بینی در آن سوی محور تقارن که مرحله‌به‌مرحله به جفت‌های بزرگ‌تر و جامع‌تر رسیده؛ در نهایت در مرکز حوض جمع شده و از آن نقطه نیز به آسمان لایتناهی منعکس می‌گردد (تصویر ۱۳). هر مکان از دریچه‌اش وقتی که به منظر حیاط می‌نگرد؛ می‌تواند جفتش را در سمت روبرو تماشا کند و به آن پیوند خورد، جفتی هماهنگ و هم قامت و البته متفاوت! تالار برای هفت‌دری، صفت‌های کوچک برای سه‌دری‌ها، صفت میانی برای پنج‌دری و...» (عزیزی ۱۳۹۶).

۸-۱-۳. مذکر و مؤنث (زن و مرد)

خداوند موسیقیدانی است که هماهنگی و انسجامی فراهم ساخته است که همه موجودات عالم دربرمی‌گیرد. آرایش دوبه‌دو و زوجیت اجزا که از آن به عشق میان اضداد تعبیر شده است؛ از شگرف‌ترین جلوه‌های آهنگ طبیعت است. در قرآن کریم چندین بار و به‌صراحت بر خلقت ازواج تأکید شده است: «و از هر چیزی جفت آفریدیم، باشد که شما پند گیرید» (ذاریات: ۴۹). مفسر المیزان در بیان این معنی این‌گونه گفته است: «کلمه زوجین به معنای دو چیزی است که مقابل هم باشند؛ یکی فاعل و مؤثر باشد و دیگری منفعل و متأثر. گفته‌اند این کلمه به معنای مطلق هر دو چیز متقابل است؛ مانند زن و شوهر، زمین و آسمان، شب و روز، خشکی و دریا، انس و جن» (طباطبایی ۱۳۶۳، ج ۱۸، ۵۷۳). معماری نیز حاصل اجتماع ازواج متعددی است که نسبت صحیح در هم‌نشینی آن‌ها باهم و برقراری تعادل میان آن‌ها، اجتماع آن‌ها و هستی یافتن مولود جدید، کیفیت معماری را در راستای آهنگ طبیعت تعالی می‌دهد. «پیش‌از این تجلی ازواج در معماری را گاه با عنوان ظهور» تقابل «ها نیز خوانده‌اند. آن‌گونه که میرفندرسکی از تقابل سایه-روشن، تداوم-توقف، باز-بسته، درون-بیرون در اندیشه هنری ایرانی یاد می‌کند و یا تجربه فضایی انسان





تصویر ۱۳. بررسی ازواج مؤنث و مذکر در خانه رسولیان یزد

جمعی پیش‌بینی شده است- فضای خصوصی و تأمین خلوت انسان نیز دیده شده است (تصویر ۱۴). «اندام‌های سازنده خانه‌های یزد با قرارگیری در کنار هم تأمین‌کننده حریم در فضای خانه هستند؛ هرکدام از این فضاها دارای میزان مشخصی از خلوت هستند. نکته حائز اهمیت تقابل و هم‌نشینی فضاهای خلوت در کنار فضای اجتماعی حیاط است (تصویر ۱۵). هم‌نشینی این دو متضاد به نحوی است که اگرچه فضاها دیواربه‌دیوارند؛ بلکه با حریم و سلسله‌مراتب دسترسی دارند. سلسله‌مراتب ورود به اتاق‌ها (از طریق پله یا ایوان‌ها) به فضاها اعتبار و امنیت می‌دهد؛ به‌طوری‌که اتاق حریم دارد. ورود به اتاق‌ها از پهلو است. حیاط با حوض و باغچه و آسمان محل اجتماع و دیدار و میعادگاهی است که همه فضاها اگرچه فردیت خود را دارند؛ درعین حال نظاره‌گر او هستند. با او هستند. اتاق‌ها و فضاهای اطراف حیاط که برای زندگی شخصی و خصوصی است؛ حضوری مستقل دارند؛ در حیاط حل نمی‌شوند. فردی که در اتاق سهدری در کنج حیاط است؛ علاوه بر اینکه در جریان زندگی جمعی حیاط قرار می‌گیرد؛ فردیت و خلوت خود را نیز حفظ می‌کند (عزیزی ۱۳۹۶).

بدین‌سان زندگی در این خانه‌ها علاوه بر حفظ قلمرو شخصی و فردیت انسان، موجب می‌شود انسان احساس با جمع بودن کند و همین حس حضور دیگری مانع احساس تنهایی انسان می‌شده است. همان احساسی که

۹-۱-۳. خلوت و ازدحام، فردیت و جمعیت
 خلوت توانایی نظارت بر تعامل، در اختیار داشتن حق انتخاب و تمهیدات و سازوکارهای لازم برای جلوگیری از تعامل ناخواسته و دستیابی به رابطه مطلوب است (لنگ ۱۳۸۸). زیمل خلوت را کنترل محرک‌های دریافتی از دیگران، میزان اطلاعات و فاصله از آن‌ها می‌داند (آلتمن ۱۳۸۲، ۲۲)؛ و از نظر آلتمن خلوت دوری و نزدیکی فرد به دیگران و آزادی انتخاب در مورد رابطه با دیگران است. نوربرگ شولتز فضای شخصی را فضای امنی می‌نامد که در آن انسان نزدیک‌ترین فاصله را با خود دارد (سید صدر ۱۳۷۷، ۴۷). همه افراد بشر هم نیاز به زندگی اجتماعی و هم نیاز به خلوت دارند «خلوت بیش‌ازاندازه به احساس انزوای اجتماعی و خلوت کم به احساس ذهنی ازدحام منجر می‌شود» (آلتمن ۱۹۷۵). در بسیاری از متون عرفانی و فلسفی نیز ایجاد خلوت زمینه‌ساز حضور درونی آدمی معرفی شده است که حالت خودیابی و خودآگاهی را برای انسان فراهم می‌کند. لذا خلوت از نیازهای مهم انسان در زندگی اجتماعی است و تأمین آن در فضاهای زندگی از حقوق انسانی است.

این مهم در خانه‌های یزد با طیفی از مراتب فضایی تأمین شده است به‌گونه‌ای که طیف فضاها از خصوصی تا عمومی و نحوه تفکیک فضایی و ترکیب آن‌ها به‌گونه‌ای است که علاوه بر فضاهای اجتماعی - که برای زندگی



۴. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر حاکی از آن است که سه رکن اصلی تدوین‌شده برای مفهوم خالی در معماری خانه‌های تاریخی یزد تجلی پیدا کرده‌اند و بر همین مبنا مفهوم خالی در این معماری محوریت پیدا می‌کند. تناظر بین قطب‌های مختلف و دیالکتیک کیفیت‌های متضاد و نوسانات میان آن‌ها به‌عنوان رکن اول مفهوم خالی موجبات تبلور مفهوم خالی را نه فقط در ابعاد شکلی و کارکردی بلکه در وجه معنایی فراهم آورده است. تجلی مفهوم خالی در بعد معنایی، نوعی گستردگی وجودی و ایجاد ظرفیت خالی در انسان را قابل حصول می‌کند.

تکرار نمونه‌های پژوهش و بررسی ارکان مفهوم خالی در آن‌ها نشان می‌دهد خالی‌ها در این معماری ارزشی فراتر از یک فضای تهی داشته و اصالت بیشتری نسبت به پرها دارند؛ آن‌ها باقی‌مانده و دورریز طراحی نیستند؛ و خودشان نقشی تعالی‌بخش و محوری دارند.

انسان در این معماری به‌طور مداوم با محیط در حال دادوستد است و مانند آونگ میان کیفیات متضاد عمل می‌کند. هر چه بیشتر از یکی خالی می‌شود؛ از دیگری پر می‌گردد. این خالی و پر شدن به‌واسطه درک وحدت اضداد در فضاهای معماری با حضور فیزیکی انسان و سیر در فضا به‌صورت فعالانه تحقق می‌یابد؛ و انسان به‌انصراف و بسط روحانی می‌رسد. در این نوع معماری، تاریکی به‌اندازه روشنایی، حضور به‌اندازه عبور و سکوت به‌اندازه بیان، فضای منفی به‌اندازه فضای مثبت و خالی به‌اندازه پراهمیت داشته است. کیفیت‌های متضاد و دوقطبی مذکور، در پی هم‌نشینی، هم‌زیستی و تعامل با یکدیگر به رکن سوم تجلی مفهوم خالی یعنی وحدت، یگانگی و تعادل رسیده و مفهوم خالی را متبلور ساخته‌اند. لذا، توجه به این مفهوم تأثیرگذار در معماری معاصر ضروری است و می‌تواند خطوطی از وضعیت مطلوب معماری را ترسیم کند.

آپارتمان‌های امروزی انسان معاصر را گریبان‌گیر آن کرده است. «در این خانه‌ها تماس با دیگران به درجات مختلف میسر شده است. لذا در این خانه‌ها نه انسان دچار احساس تنهایی و بی‌کسی می‌کند؛ و نه احساس ازدحام و جمع‌گریزی و نه احساس شکست در دستیابی به سطح مطلوب خلوت ایجاد می‌شود. در این خانه‌ها نیاز به تعاملات اجتماعی و ارتباط با هم‌نوعان، حفظ حریم‌ها و نیاز به خلوت، در جای خود به‌خوبی پاسخ‌داده شده است. به‌گونه‌ای که تأمین، تعریف و شفافیت مناسب قلمروهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی همراه با افزایش تعاملات اجتماعی مدنظر بوده است» (ارژمند ۱۳۹۱).



تصویر ۱۴. مکان‌یابی فضاهای خلوت‌تر در کنج‌های پلان خانه رسولیان



تصویر ۱۵. در خانه رسولیان اتاق کلاه‌فرنگی به‌عنوان فضای خلوت در دیالکتیک با فضای اجتماعی حیاط قرار دارد.

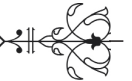
پی‌نوشت

۱. Bacon
۲. Burckhardt
۳. Adam Fosnaugh
۴. Jin Baek
۵. Dilworth
۶. Dawei
۷. Yanjing
۸. Nishida

منابع

۱. احمدی، فرهاد. ۱۳۹۱. فصل و وصل در معماری سنتی. کیمیای هنر ۱ (۳): ۱۳۱-۱۳۵.
۲. احمدزاد سردودی، فرهاد، و مرتضی شجاری. ۱۳۹۲. بررسی فلسفه و اهمیت فضای تهی در معماری اسلامی. در دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۳. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۹۰. حس وحدت. ترجمه‌ی ونداد جلیلی با همکاری احسان طایفه. تهران: علم معمار رویال.
۴. ارژمند، محمود، و سمیه خانی. ۱۳۹۱. نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. شهر ایرانی اسلامی ۲ (۷): ۲۷-۳۸.
۵. افشارنادری، کامران. ۱۳۷۴. هم‌نشینی اعداد در معماری ایرانی. آبادی ۵ (۱۹): ۶۸-۷۵.
۶. اعتضادی، لادن. ۱۳۷۹. ذن و معماری ژاپن. صفا ۱۰ (۳۰): ۴۴-۶۷.
۷. آلتمن ایروین. ۱۳۸۲. محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. ترجمه‌ی افسر جواهر، و علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۸. بروک، پیتر. ۱۳۸۰. فضای خالی. ترجمه‌ی اکبر اخلاقی. اصفهان: فردا.
۹. بی‌پروا، محسن. ۱۳۸۱. تأثیر مفهوم تهی در تفکر دائو بر فضای خالی نقاشی چینی. زمستان (۵۴): ۱۷۴-۱۸۹.
۱۰. پاشایی، ع. ۱۳۷۷. دائو: راهی برای تفکر. برگردان و تحقیق دائو د جینگ. تهران: چشمه.
۱۱. دهباشی، مهدی. ۱۳۸۶. وحدت اعداد در هستی‌شناسی مولانا. مولانا پژوهی (۳).
۱۲. رضاخانی، ژیللا. ۱۳۹۳. درآمدی بر مفهوم مفصل در معماری بر اساس روش هایدگری ریشه‌شناسی واژه. مطالعات معماری ایران (۵): ۱۱۴-۱۰۱.
۱۳. سروش، عبدالکریم. ۱۳۸۷. نهاد ناآرام جهان. تهران: صراط.
۱۴. سید صدر، ابوالقاسم. ۱۳۷۷. فلسفه فضاهای معماری. تهران: بیابانی.
۱۵. صادق احمدی، مهدی. ۱۳۹۳. بنای محبوب، رواق نظر (ده مقاله در معماری). جمعی از نویسندگان (زیر نظر هادی ندیمی و محمدرضا اولیا). تهران: فرهنگستان هنر.
۱۶. صنعتی، سیده. ۱۳۹۳. حیاط، تقدیر نساخته‌ها، رواق نظر (ده مقاله در معماری). جمعی از نویسندگان (زیر نظر هادی ندیمی و محمدرضا اولیا). تهران: فرهنگستان هنر.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۳. تفسیر المیزان - کتاب الکترونیک، لوح فشرده قرآن جامع. قم: مؤسسه نشر حدیث اهل البیت.
۱۸. عزیزالهی، افسانه. ۱۳۹۲. بررسی فضای پر و خالی در آثار نگارگری ایرانی و مقایسه آن‌ها با شرق دور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما حبیب اله صادقی، مشاور: حسین مراد نژاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
۱۹. عزیززی بندر آبادی، نجمه. ۱۳۹۶. فصل تحصیلی ما، مروری بر یافته‌های یک دانشجو در دانشکده معماری یزد. یزد: دانشگاه یزد.
۲۰. عصمتی، سبحان. ۱۳۸۰. گذری بر آرای فلسفی هراکلیتوس. معرفت (۴۲): ۴۱-۴۹.
۲۱. قائمی، فرزاد، محمدجعفر یاحقی، مه‌دخت پورخالقی چترودی. ۱۳۸۸. تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی بر اساس نقد اسطوره‌ای. ادب‌پژوهی ۳ (۱۰): ۵۷-۸۲.
۲۲. کاپن، دیوید اسمیت. ۱۳۸۲. مبانی نظری. ترجمه‌ی دکتر علی یاران. دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۳. کاکایی، قاسم. ۱۳۸۶. نیستی و کارکرد آن در مباحث الهیات در نگاه مولانا و مایستر اکهارت. نامه حکمت ۵ (۲): ۳۹-۶۶.





۲۴. لنگ، جان. ۱۳۸۸. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۵. معین، محمد. ۱۳۸۲. فرهنگ فارسی، جلد اول. تهران: امیرکبیر.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۵۳. تفسیر نمونه، جلد ۲۲. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۸۰. مثنوی معنوی. تهران: طایفه.
۲۸. مهدوی‌نژاد، محمدجواد، و نوشین ناگهانی. ۱۳۹۰. تجلی مفهوم حرکت در معماری معاصر ایران. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۱ (۳): ۲۱-۳۴.
۲۹. میرفندرسکی، محمدمین. ۱۳۷۴. باغ به‌مثابه پیش‌آیند شهر. در مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۳۰. نصر، سید حسین. ۱۳۸۵. پژوهش در فضای تهی (اهمیت خلأ در هنر اسلامی). ترجمه‌ی نادر شایگان‌فر. مجله خردنامه همشهری (۴): ۱۶-۱۷.
۳۱. نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه‌ی رحیم قاسمیان. دفتر مطالعات دینی هنر.
۳۲. نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه‌ی رحیم قاسمیان. تهران: نشر حکمت.
۳۳. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری.
۳۴. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۳. زیبایی‌شناسی کعبه. هنر دینی (۱۹-۲۰): ۷۲-۱۲۸.

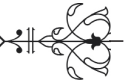
References

1. Afsharnaderi, Kamran. 1995. Companion of Opposites In Iranian Architecture. *Abadi 5 (19)*: 68- 75.
2. Ahadnezhad Sardorudi, Farhad, and Morteza Shajari. 2013. A Study of the Philosophy and Importance of Empty Space in Islamic Architecture. *At the Second National Conference on Islamic Architecture and Urban Development, Tabriz: Tabriz Islamic Art University*.
3. Ahmadi, Farhad. 2012. Union and Separation in Iranian Traditional Architecture. *Kimia-ye-Honar 1 (3)*: 131- 135.
4. Altman, Irwin. 1975. *Environment and Social Behavior*. Monterey: Ca: Brooks/Cole.
5. Altman, Irwin. 2003. *Environment and Social Behavior*. Translated by Afsar Javaher and Ali Namazian. Tehran: Shahid Beheshti University.
6. Ardalan, Nader, and Laleh Bakhtiar. 2011. *Sense of Unity*. Translated by Vandad Jalili and Ehsan Taefe. Tehran: Elm-e Memar Royal.
7. Arjmand, Mahmoud, and Somayeh Khani. 2012. The Role of Privacy in the Architecture of Iranian House (With A View Towards This Role in Islamic Architecture and Culture). *Studies On Iranian Islamic City 2 (7)*: 27- 38.
8. Azizi Bandarabadi, Najme. 2017. *Our School Year, A Review of the Findings of a Dstudent at Yazd School of Architecture*. Yazd: University of Yazd.
9. Azizollahi, Afsane. 2013. *Investigating the Empty Space in Iranian Paintings and Their Comparison with the Far East, MA Thesis*. Islamic Azad University.
10. Bacon, N. Edmund. 1975. *Design of Cities*. Thames & Hudson.
11. Biparva, Mohsen. 2002. The Impact of the Empty Concept on Dao Thinking on Chinese Painting. *Zemestan (54)*: 174- 189.
12. Burckhardt Titus. 1970. *The Void in Islamic Art, Studies in Comparative Religion, Vol.4, No 2* (Spring: www.Studiescomparativereligion.com).
13. Brock, Peter. 2001. *Empty Space*. Translated by Akbar Akhlaghi. Isfahan: Farda.
14. Coppen, David Smith. 2003. *Theoretical Fundamentals*. Translated by Ali Yaran. Islamic Azad University.
15. Dawei, Cao., Yanjing, Sun. 2011. *China's History*. Singapore: Cengage Learning Asia.
16. David A. Dilworth. *Introduction and Postscript. in Kitaro Nishida, Last Writings: Nothingness and the Religious Worldview, David A. Dilworth, trans.* (Honolulu: University of Hawaii Press, 1987).
17. Dehbashi, Mahdi, 2007. The Unity of Opposites in Molana's Ontology. *Molanapazhuhi (3)*.
18. Esmati, Sobhan. 2001. A Passage on the Philosophical Views of Heraclitus. *Marefat (42)*: 41- 49.
19. Etezadi, Ladan. 1999. Zen and Japanese Architecture. *Soffeh 10 (30)*: 44- 67.
20. Fosnaugh Adam. 2007. *Activating the Void[s]: Explorations in Absences*, Thesis for MA, the Division of Research and Advance Studied of the University of Cincinnati, the school of committee chairs: Professor G. Thomas Bible, Professor Elizabeth Riorden.



21. Ghaemi, Farzad, Muhammad Jafar Yahaghi, Mahdokht Pookhaleghi Chatroodi. 2009. An Archetypical Criticism of the Symbolic Aspect of the Elements "Earth" and "Air" In Mythology and Ferdowsi's Shahnameh. *Adab Pazhuhi 3 (10)*: 57- 82.
22. Jin Baek. 2008. *Kitaro Nishida's Philosophy of Emptiness and Its Architectural Significance*, Pennsylvania State University, 2008, onlinelibrary.wiley.com/doi.
23. Kakaei, Ghasem. 2007. Nothingness and Its Function in Theological Debates in the Role of Molana and Meister Eckhart. *Name-ye Hekmat 5 (2)*: 39- 66.
24. Kitaro Nishida, Complete Works (Nishida Kitaro Zenshu) (Tokyo: Iwanami shoten, 1947).
25. Lang, Jon. 2009. *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: University of Tehran Publishing Institute.
26. Mahdavejad Mohammadjavad, and Nooshin Nagahani. 2011. Expression of Motion Concept in Contemporary Architecture of Iran. *Studies On Iranian Islamic City 1 (3)*: 21- 34.
27. Makarem Shirazi, Naser et al. 1974. *Tafsir Nemooneh, 22nd Vol*. Tehran: Dar al-Kotob al-Eslamiah.
28. Mirfendereski, Muhammad Amin. 1995. The Garden as A Precursor to The City. In *Proceedings of the First Congress of Iranian History of Architecture and Urban Development, Arg e Bam, Tehran: Cultural Heritage Organization*
29. Moeen, Muhammad. 2003. *Farsi Dictionary, 1st Vol*. Tehran: Amir Kabir.
30. Molavi, Jalal al-Din Muhammad. 2001. *Masnavi-ye-Ma'navi*. Tehran: Talayeh.
31. Naghizadeh, Muhammad. 2004. Aesthetics of the Kaaba. *Religious Art (19-20)*: 72-128.
32. Nasr, Seyed Hossein. 2006. Echo in The Empty Space (The Importance of Vacuum in Islamic Art). Translated by Nader Shayganfar. *Kheradname Hamshahri (4)*: 16- 17.
33. Nasr, Seyed Hossein. 2010. *Islamic Art and Spirituality*. Translated by Rahim Ghasemian. Office of Religious Studies in Art.
34. Nasr, Seyed Hossein. 2010. *Islamic Art and Spirituality*. Translated by Rahim Ghasemian. Tehran: Hekmat.
35. Noghrekar, abd-al-hamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, Architecture and Urban Design Office, Payam-e Sima Planning and Printing Corporation
36. Pashaei, A. *Dao: Way to Thinking*. Translation and Research by Dao D Jing. Tehran: Cheshmeh.
37. Rezakhani, Zhila, 2014. An Introduction to Articulatory Concept in Architecture Based on Heidegger's Theology of the Word. *Architecture Studies 1 (5)*: 101- 114.
38. Sadegh Ahmadi, Mahdi. 2014. *Popular building, Ravagh-e Nazar (Ten Articles in Architecture)*. A Collection of Authors (Under the Supervision of Hadi Nadimi and Mohammad Reza Olia). Tehran: Iranian Academy of the Arts.
39. Sanati, Seyede. 2014. *The Yard, the Fate of the Non-Constructed*. A Collection of Authors (Under the Supervision of Hadi Nadimi and Mohammad Reza Olia). Tehran: Iranian Academy of the Arts.
40. Seyed Sadr, Abolghasem. 1998. *Philosophy of Architectural Spaces*. Tehran: Biabani.
41. Soroush, Abolkarim. 2008. *The Restless Entity of the World*. Tehran: Sarat.
42. Tabatabaei, Muhammad Hossein. 1984. *Tafsir al-Mizan, E-Book, Compact Disc of Holy Quran*. Qom: Ahl al-Beit.
43. <http://www.iranyangtaichi.com>





The emergence of empty concept coincides with two elements or opposite qualities in such a way that the two opposites are interconnected without diminishing one another. Based on theoretical findings, the expression of the empty concept is conditional on the existence of three pillars: The first: the contradiction, the second: interaction, the third: balance and unity.

Based on the theoretical findings, expression of emptiness concept has three main pillars. Firstly: the contradiction (Coexistence of two opposing elements), secondly: the interaction of two opposites, thirdly: balance and unity. Since the emptiness operates as the foundational principle in traditional genres of architecture in Asia such as Iran, the process of integrating the three pillars extracted from theoretical foundations were evaluated and analyzed in five vernacular houses of Yazd. In the phenomenological study of five houses in Yazd as a case study houses were investigated in three aspects: shape - body, functional, semantic. This article focuses on semantic aspect.

The findings depict that the emptiness as a transcendental concept is the result of the process of opposite elements and their interactions and the development of the unity of opposites. According to this study, the philosophy of emptiness has manifested in the form of the dialectic of opposites. This study has brought one's attention to the arrangement of contrasting qualities in the Yazd houses such as the crossing and presence inside and outside.

The architect of an Iranian traditional house positions things of spiritual character in such a way that they create a coordinated balance between forces. In this fashion, the house "brings into special focus the underlying relatedness of things, the mutuality which exists in spite of differences between outside and inside, great and small, and observer and observed.

Vernacular architects had understood the necessity of companionship of opposing pairs and their dialectical as an essential element of empty concept. They have considered interactive opposite qualities such as darkness and light, outside and inside, male and female, silence and talk, simplicity and complexity, uniformity and variety. The results of the research show that empty space plays a major role in the vernacular architecture of Iran. The empty spaces are more focused and authentic and solid spaces take their identity and credit from empty and void spaces.

Keywords: Islamic, Architecture, Emptiness, Contradiction, Interaction, Unity, House.





The Meaning of Emptiness and Its Role in Islamic Architecture (Case Study: Historical Houses of Yazd)

Zahra Ahmadi *

Assistant Professor, Azad University, Tehran, Iran

Farah Habib **

Professor, Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Received: 26/08/2017

Accepted: 04/03/2019

Abstract

In this study emptiness is considered as a transcendental and effective concept that appears in the form and content of things. What is seen as internally present in an entity is existent in the first instance because of the external presence of its opposite. The entity and its opposite are intertwined through the principle of inverse correspondence, a higher level of accord that emerges from the disposition of asymmetrical qualities. This symmetrical, yet reversed, reciprocity is the logic of “is and yet is not” and that of “simultaneity, and biconditionality, of opposites without their higher synthesis.

Emptiness is often understood as nonexistence, a void that is symptomatic of a predominant fixation on objects. In contrast emptiness is neither nothing nor the suffocating void of limitless expansion in which things are at best desolately scattered. Rather, it is the ultimate foundation of reality that transcends ideas of “being” and “non-being.” Subsequently, what is operating in emptiness is a double negation: the negation of being, which leads to nonbeing, and the negation of nonbeing. Existential Identity depends on the dialectical relationship of that thing with its opposites. The identity of a being is determined not by what is believed to be existent within itself but by its dialectical relationship with the opposite, like the moment in which one finds one’s self to be the being of warmth in reference to coldness enveloping and penetrating the body.

Ignoring Emptiness and empty space caused intensifying the focus of designers and architects on the full space and this has increased the contemporary architecture crisis. This study aims to take advantage of the values of the vernacular architecture of Iran and its continuity. It relies on the theory of empty space and the opposite pairs, as the first pillar of creating empty space. Answers to this question: what is the role of empty space in the vernacular Yazd houses in semantic dimension?

This study aimed to clarify the role of this concept in the vernacular architecture of Iran by understanding the meaning of emptiness. and evaluating selected houses as a case study. This research has been done in qualitative research and data is collected by observation and study of written documents.

* ahmadi.arch@gmail.com

** f.habib@srbiau.ac.ir